

كشف الغطاء

عن

وخامة الغناء

تأليف

حضرت آية الله حجة الاسلام آقاى

آقا سيد حسين آقا

عرب باغى

رعلى الله مقامه الشريف

رساله

شریفه کشف الغطاء

غن و خامه الغناء

تالیف آیه الله

عرب باغی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وواله الطاهرين  
بدانکه در قباحت و عذاب و بدعاقت بودن غناء و سایر ملاحی احادیث  
بسیار و بلکه آیات چند وارد شده و در آنها چند فصل است .

فصل اول در آیات نازله در غناء است

و در کافی از شحام روایت کرده گفت سؤال کردم از امام جعفر صادق  
علیه السلام از این آیه **واجتنوا قول الزور** ؟ یعنی دور بشوید از گفته های  
زور : فرمود قول الزور غناء است .

و نیز در آن از ابو صباح روایت کرده که از آن حضرت پرسید  
از این آیه **لا يشهدون الزور** یعنی از صفت مومن این است که حاضر نمیشوند  
بر قول زور ؟ فرمود غناء است .

و نیز در آن از محمد بن مسلم روایت کرده که از آن حضرت سؤال کردم  
از آیه **والذين لا يشهدون الزور** ؟ فرمود که آن غناء است : و نیز در آن  
از همان راوی روایت کرده که از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم میفرمود  
که غناء از آن گناهان است که خداوند وعده دوزخ بر آن داده و  
این آیه را ثلاث کرد ، **و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل  
عن سبيل الله بغير علم و يتخذها هزواً اولئك لهم عذاب مهين**  
و نیز در کافی از مهران روایت کرده که از امام جعفر صادق علیه السلام  
شنیدم که میفرمود که غناء از آن گناهان بود که خداوند در آن فرمود

ومن الناس من يشتري لهو الحديث (تا آخر)

و نیز در آن ابو عمیر از بعض اصحاب خود از امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که در این آیه ، واجتنبوا قول الزور فرمود قول زور عناء است .

و در آن نیز از ابو بصیر روایت کرده که سؤال کردم از آن حضرت از این آیه ، قول الزور فرمود قول الزور عناء است .

و نیز در آن از و شاء روایت کرده که شنیدم از امام رضا علیه السلام که سؤال کردند از آن حضرت از عناء فرمود که آن فرمایش خداوند است که ومن الناس من يشتري لهو الحديث ( تا آخر )

و نیز در کافی از عبدالاعلی روایت کرده که از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردم از عناء و گفتم که مردمان خیال میکنند که رسول الله رخصت داده بر اینکه بگویند ، جئناکم جئناکم حیوانا حیوانا حییکم پس فرمود دزوغ گفته اند بدرستی که خداوند فرمود لو اردنا ان نتخذ لهوا لاتخذناه من اردنا ( تا آخر )

و در عیون از ابن ابوعباد روایت کرده که سؤال کردم از امام رضا علیه السلام از شنیدن عناء ؟ فرمود از برای اهل حجاز يك رأى است در آن و عناء در جمله باطل و لغو است ، آیا تو نشنیدی که خداوند فرموده و اذا مروا باللغو مروا کراما

و در معانی الاخبار از عبدالاعلی روایت کرده که از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال کردم از این آیه ؟ فاجتنب الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور ؟ فرمود رجس من الاوثان شطرنج است و قول زور عناء است ، گفتم این آیه چگونه است ؟ ! ومن الناس من يشتري لهو الحديث ( تا آخر ) فرمود از آن بوده عناء

و در آن از حماد روایت کرده که از آن حضرت سؤال کردم از قول زور؟ فرمود از آن بوده گفتن احسن بر غنا کننده و در مجمع البیان گفته که روایت شده از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق و امام رضا علیهم السلام در این آیه و من الناس من یشتري لهو الحديث (تا آخر) که فرمودند که از آن بوده غناء.

و در تفسیر قمی از هشام روایت کرده در این آیه فاجتنبوا الرجس من الاثان و اجتنبوا قول الزور که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که مراد از رجس من الاثان شطرنج است و قول زور غناء بوده پس این آیات شریفه بر غنای لغو و قول زور، و لهو الحديث گفته و از برای لهو الحديث وعده دوزخ و عذاب مهین کرده و از جمله گناهان کبیره قرار داده و در وخامت و بدعاقبت بودن غناء و بالاتر از این چه میشود، و در تفسیر این آیات احادیث بسیار در کتاب مستدرک الوسائل روایت کرده، و مراد از لهو الحديث و قول الزور و اللغو در این آیات شریفه غنا بوده چنانکه در این احادیث مذکوره و احادیث مستدرک بیان فرموده اند و اگر حضرات امامان اهل بیت بیان نمی فرمودند مراد خداوند را در این آیات، پس اهل عربیت و اهل زبان عرب چه میدانستند که مراد خداوند از این قول زور و لهو الحديث و لغو چه بوده؟ زیرا که سؤال کنندگان از این آیات همه اهل لسان بودند، و زبان عرب را خوب میدانستند پس معلوم شد که دانستن مراد خداوند از آیات قرآن منحصر است بر حضرات اهل بیت رسول صلی الله علیه و اله بدون شك و مراد از غناء در این احادیث و در غیر از اینها همان خوانندگی و تصنیف خواندن است که در زبان فارسی سرود و نغمه خوانی میگویند که ارادل و اهل دف و طنبور خوانندگی میکنند.

## فصل روم در بیان اینکه غنا که صوت لهو است در قرائت قرآن نیز میشود

و در کتاب عیون باسند خود از امام رضا از پندران خود از امیر-  
المؤمنین علیهم السلام روایت کرده که از رسول الله شنیدم میفرمود که میترسم  
بر شما از سبک شمردن دین و فروختن حکمها و قطع کردن رحم را و از  
اخذ کردن قرآن را مزار ، و از اینکه مقدم بکنید یکی را که افضل  
نباشد در دین .

و مراد از مزار و مزامیر همان غنا کردن و با صوت لهو قرآن  
خواندنست .

و در تفسیر قمی از ابن عباس روایت کرده در حدیثی که رسول الله  
صلی الله علیه و اله در آن فرموده که از علامات قیامت ضایع کردن نماز و  
تابع بودن بر شهوات و میل نمودن بر هوای نفس است ، و در آن زمان  
قومی میشود که یاد میگیرند قرآن را از برای غیر خداوند و اخذ  
میکنند قرآن را مزار ، و میشود قوما که علم دین را یاد میگیرند  
از برای غیر خداوند و بسیار میشود اولاد زنا و غناء میکنند با قرائت  
قرآن (تا اینکه فرمود) آنها در آسمانها ارجاس و انجاس نامیده  
می شوند .

و در این حدیث با وضوح بیان فرمود که در قرآن نیز  
غناء می نمایند ، یعنی قرآن را با الحان و صوت اهل لهو  
می خوانند .

## فصل سوم در اینکه غنا باعث فقر و نفاق میشود و دعا های اهل غناء مستجاب نمی شود و خداوند بانظر رحمت بر آنها نظر نمی کند

و در کافی از شحام روایت کرده که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که خانه که در آن غنا شود، از فجایم و مصائب در آن خاطر جمع نمیشوند، و دعا در آن مستجاب نمی گردد و ملائکه بر آن خانه داخل نمیشود.

و در فقیه روایت کرده که اجرت مرد و زن غنا کننده سحت شده است.

و در کتاب مقنع گفته که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که شر و بدترین صوتها غناء است.

و در خصال از ابن هرون روایت کرده که شنیدم از امام جعفر صادق علیه السلام که میفرمود، غنا باعث نفاق و فقر است.

و در تفسیر عیاشی از جابر بن عبدالله روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که ابلیس اول کسی بود که غناء و نوحه نمود، زمانیکه آدم از آن درخت خورد غناء کرده، و زمانی که حوا بزمین آمد نوحه نمود از برای یاد کردن حوا آنچه را که در جنت بوده.

و نیز عیاشی در آن روایت نمود از حسن گفت من طول میدادم جلوس را در خلایا بشنوم غنا کردن بعضی همسایگان را و به حضور امام جعفر صادق وارد شدم فرمود ای حسن بدرستی که از گوشه و از چشم و از قلب سؤال خواهد شد از گوش از آنچه شنیده و از چشم از آنچه دیده

واز قلب از آنچه بر آن اعتقاد کرده. و مضمون این را در قهقهه الرضا از آنحضرت روایت کرده و در مستدرک از دعایه الاسلام از امام جعفر صادق (ع) روایت نموده که مجلس غنا همان است که خداوند بانظر رحمت بر آن نظر نمی کند و غنا باعث فقر و نفاق میشود.

و نیز در آن روایت نموده که آنحضرت از حال یکی از اصحاب خود پرسید: گفت فدایت شوم دیروز فلان شخص بمن گذشت و دست مرا گرفت و خانه خود داخل کرد و در نزد او کنیزی بود که دَف میزد و غنا میکرد و در نزد او بودم تا بشام

آنحضرت فرمود ای بر تو آیا نترسیدی از غضب خداوند که بیاید بر تو که در آن حال بودی و آن مجلسی است که خداوند بر اهل آن نظر نمیکند و غنا خبیث تر آنچه است که خداوند خلق کرده و بدترین خلق خداوند بوده و غنا باعث نفاق و فقر است.

و نیز در آن از آنحضرت روایت کرده که فرمود خانه غنا جائی بود که در آن از مصائب خاطر جمع نمیشود و در آن دعا مستجاب نمیشود و ملائکه در آن خانه داخل نشود

و نیز در آن از آنحضرت روایت نموده که فرمود بکسی از اصحاب خود که دیروز در کجا بودی؟ آنکس گفت که گمان کردم که آنحضرت شناخته جای مرا گفتم فدایت شوم مرور کردم بر فلان شخص و مرا بخانه خودش داخل نموده و کنیز خود در آورد و آن عنا کرده، آنحضرت فرمود آیا از خداوند خاطر جمع شدی بر اهل و بر مال خودت و آن جائی بوده که خداوند بر اهل آن نظر نمی کند و از کتاب جعفریات از آنحضرت از پدران خود از امیر المؤمنین ۶ روایت کرده که عذاب بر بنی اسرائیل در شبی نازل شد و صبح کردند و چهار صنف راییدان نکردند یکی طنبورزن و دیگری غناکنندگان (الخ)

و در دعایم الاسلام از امام محمد باقر (ع) روایت کرده که غنا می

روایند نفاق را در قلب چنانکه نخل طلح را می‌رویاند  
 و درغوالی اللثالی روایت نموده که رسول الله فرمود که غنا نفاق  
 را در قلب می‌رویاند چنانکه آب سبزیات را می‌رویاند. و در جامع الاخبار  
 روایت کرده که آن حضرت فرموده که غنا واسطه زنا کردن است  
 و در آن از ابی اسامه روایت کرده که آن حضرت فرمود کسی صوت  
 خود را بضنا بلند نمی‌کند مگر اینکه خداوند دو شیطان را بر دوش های او  
 برانگیزاند و آنها با پاشنه های خودشان بسینه او میزنند تا اینکه او  
 ماکت شود و نیز در مستدرک از غوالی اللثالی روایت نموده که رسول الله نهی  
 نموده از غنا و خریدن کنیزان غناکننده و فرمود اجرت غنا از جمله سحت  
 است و اجازه نداد بر غنا مگر در نوحه کردن در فرضی که باطل نکوید  
 و اذن داده در راندن شتر و در عروسی زمانیکه مردان صدای زنان را نشنوند  
 و غناکننده باطل نکوید

و نیز در آن روایت نموده که آن حضرت نهی فرموده از دف زدن  
 و رقص نمودن و از جمیع لعبها و از حاضر شدن در آن مجالس و گوش  
 دادن بر آنها و اجازه نکرده بدف زدن مگر در عروسی دختر باکره بشرط  
 اینکه مردان در مجلس زنها داخل نشوند

## فصل چهارم در حرمت دف زدن و تار زدن و امثال آنها از آلات لهو و لعب

و در کافی از ابن جریر روایت کرده که از امام جعفر صادق (ع)  
 شنیدم که میگفت که شیطانی هست قنفذ نام زمانیکه در منزل کسی چهل  
 روز بر بطن زده شد و مردان در آن داخل شدند میگذارد همان شیطان هر  
 عضو خود را بهر عضو صاحب خانه و بعد از آن بر آن نفخ میکند پس او



غیرت نمیکند بر زن خودش .

و در حدیث ابی داود است که حیاء از آنکس برداشته میشود و باک نمیکند بر آنچه درباره او میگویند و در آنچه او میگوید و نیز از کلیب روایت نموده که آنحضرت فرمود که زدن دف می رویاند نفاق را در قلب چنانکه آب می رویاند سبزه را .

و از حیب روایت کرده که امام زین العابدین (ع) فرمود که خداوند باک نمیکند امتی را که در آنها بریط صدا کتنده باشد و نوحه مصیبت آورنده شود .

و از سماعه روایت نموده که امام جعفر صادق (ع) فرمود که زمانی که حضرت آدم وفات کرد ، ابلیس و قاییل باو شماتت کردند و در جائی جمع شدند و آنها آلات دف و طنبور و نای و لپو و لم را درست نمودند برای شماتت بر آدم ، و هر چه در زمین از امثال آنها باشد که مردم از آنها لذت میبرند پس از آنهاست .

و از سکونی روایت نموده که آنحضرت فرمود که رسول الله ص فرموده که شما را نهی میکنم از رقص و مزمار و طبل و دف زدن

و نیز در آن از سیاری روایت نموده که از آنحضرت سؤال کردند از اراذل مردمان ؛ فرمود آنها شرابخورد و طنبور زن است

و شیخ ورام در کتاب خود روایت نموده که آنحضرت فرمود که داخل نمیشود ملائکه بر خانه که در آن مست کتنده باشد و یادف و یا طنبور و یانرد باشد و دعای اهل آن مستجاب نمیگردد و برکت از آنها برداشته میشود .

و در مستدرک امثال این احادیث مذکوره را از کتب دیگر نقل کرده که نقل آنها طول دارد .

و در آن از ققه الزّضا روایت نموده که فرمود هر که در خانه او  
طنبور یا عود و یا چیزی از آلات لهو باشد از شطرنج و مثل اینها چهل  
روز، پس آنکس مبتلا میشود بغضب خداوند، و اگر دو آن چهل روز  
بمیرد پس او فاسق و فاجر مرده و جای او دوزخست  
و در آن از راوندی در لب لباب روایت نموده که رسول خدا (ص)  
فرموده که خداوند حرام کرده دف زدن را و شطرنج رمزمار و آنچه را  
که با آن لهو و لعب میشود.

و نیز از آن روایت نموده که آنحضرت فرمود که خداوند مارانہی  
فرمود از دو صوت احمق فاجر، يك صوت در وقت مصیبت بازدن بصورت  
و خراشیدن آن و پاره کردن لباس، و صوت دیگر در وقت آمدن نعمت  
بالم و لعب بامزامیر و این هر دو از مزامیر شیطان است.

و شیخ ابوالفتوح در تفسیر خود از ابوامامه روایت نموده که آن  
حضرت فرمود که خداوند مبعوث فرموده مرا برای هدایت مردمان و  
رحمت بر اهل عالم و امر کرده بر من که محو بکنم مزامیر و آلات لهو و  
اوتار و ادثال و امورات جاهلیت را، تا اینکه فرمود که آلات مزامیر و  
آلات لهو حرام است خرید و فروش و ثمن آنها و تجارت کردن با آنها  
و در مستدرک نیز از جامع الاخبار روایت کرده که آنحضرت فرمود

که محشور میشود صاحب طنبور در قیامت روی سیاه و دردست طنبوری  
از آتش و در بالای سرش هفتاد هزار ملائکه و دردست هریکی عمودی  
که بر سر و صورت او میزنند و محشور میشود صاحب غنا از قبر خود کور  
و کر و گنک و محشور میگردد زناکار مثل این و صاحب مرمار مثل او و  
صاحب دف مثل این و از امثال این احادیث زیاد است و نقل همه طول دارد

## فصل پنجم در حرمت شنیدن غنا و سایر الات لهو و لعب

و در مستدرک از دعائم روایت کرده که بامام جعفر صادق (ع) رسید از قومیکه در خانه غناکننده منزل کرده اند در کوفه و بایشان فرمود چرا این کار کردید؟ گفتند ندانستیم و جایی پیدا نکردیم، پس بایشان فرمود زمانیکه اینطور شد از جمله گرام بشوید زیرا که خداوند فرموده و اذا مروا باللغو مروا کراما و نیز از آنحضرت روایت کرده، که کسی از شنیدن غنا سؤال نمود پس نهی فرمود از آن و این آیه را تلاوت کرد

ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه منسولا  
و فرمود که از گوش سؤال میشود از آنچه میشوند و از چشم پرسیده شود آنچه آنرا دیده و از قلب سؤال میشود از آنچه بر آن اعتقاد نموده و نیز از آن روایت کرده که آنحضرت فرمود که حلال نیست خرید و فروش غناکننده از غلام و کنیز و شنیدن آن باعث نفاق قلب است و یاد گرفتن آن کفر است

و در روایات الجنات از امام رضا روایت کرده که شنیدن تار از گناهان کبیره است

و در کافی از یاسر از آنحضرت روایت کرده که هر که نفس خود را از غنا باز دارد، پس در جنت درختی است که خداوند امر می فرماید بر باد که آنرا حرکت دهد و شنیده میشود از آن درخت يك صوتی که مثل آنرا کسی نشنیده و هر که نفس خود را از غنا باز نداشته باشد آن صوت را نمیشنود

و نیز در کافی از ابن یقطين روایت کرده که امام محمد باقر (ع) فرمود هر که گوش بدهد بناطقی پس باو عبادت نموده و اگر ناطق از خداوند میگوید پس گوش دهند بخداوند عبادت کرده و اگر از غیر خدا گفته باشد پس بشیطان عبادت نموده .

و در ارشاد القلوب روایت کرده که رسول الله ص فرمود ظاهر می شود در امت من خذف و قذف ؟ عرض کردند چه وقت میشود اینها فرمود زمانیکه ظاهر شود در میان ایشان آلات لهو و لعب ازدف و طنبور و امثال آنها ، و زنان غناکنند و مسکرات خورده شود و سوگند بخداوند هر آینه جمعی از امت من خواب نمایند و صبح کنند در حالتی که میمون<sup>۱</sup> و خوک شده اند از جهت اینکه حرام را حلال میدانند و نگاه دارند زنان غناکننده را و شرابخور میشوند و ربامیخورند و لباس حریر میپوشند

و فرمود که زمانی که امت من بر یازده خصلت عمل نمودند بلاها بر آنها حلول میکند :

زمانیکه بیت المال مسلمین در میان بعضی دولت شد، و مال امانت غنیمت گردید، و زکوة غرامت شود و مردان اطاعت زنان نمایند و بمادر عصیان کنند و بر دوست احسان نمایند و بر پدرش جفا کنند و صداها در مسجد ها بلند گردد و بر کسی اکرام کنند از ترس شر او، و رئیس قوم اردل آنها شود و لباس حریر بپوشند و زنان غناکنند و آلات لعب و لهو را نگاهداری نمایند، و مست کنند، را بخورند، و زنا زیاد شود ، پس منتظر شوید در آن وقت باد سرخ و قذف و مسخ و غلبه دشمن را بر خودتان و مددی نیست برای شما

و در کافی از مسنده روایت کرده که من در حضور امام جعفر صادق

(ع) بودم کسی گفت پدر و مادرم فدایت شوند که من داخل کنیف می شوم، و همسایه دارم و آنها دختران غناکننده دارند که دف و طنبور میزنند و من طولانی میکنم بودن را در خلا برای شنیدن آنها؛ فرمود نکن این را، گفت بخداوند سوگند که من بنزد آنها نرفته ام و صدای آنها را بگوش میشنوم؛

آنحضرت فرمود آیا نشنیدی که خداوند فرموده ان السمع و ابصر و الفواد کل اولئك كان عنه مسئولا  
گفت بلی سوگند بخداوند گویا که من این آیه را از کتاب خدا نشنیده بودم از عربی و عجمی و البته عود نمیکم انشاءالله بر این کار: و استغفار میکنم بخداوند، حضرت فرمود برخیز و غسل بکن و نماز بجا آور آنقدری که برای تو ظاهر شود زیرا که در کار بد بزرگی بودی و چقدر بدتر بود حال تو اگر در آن حال مرده بودی و حمد بکن بخداوند و توبه را سؤال کن از هر چه خداوند آنرا مکروه میدارد، و خداوند مکروه نمیدارد مگر قبیح را و آنرا بگذار باهل آن و از برای هر چیزی اهل است

و در این حدیث قباحت گوش دادن بقنا را بیان فرموده

## فصل ششم در عدم ضمان شکستن الات

### لهو و لعب

و در مستدرک از جعفریات از امام جعفر صادق (ع) از پدران خود روایت کرده که بحضور امیر المؤمنین ع کسی را آوردند که طنبور و تار شخصی را شکسته بود و آن ادعا را لغو و باطل کرد و آن کس را

ضامن نکرد.

و از رساله قبایح خمر نقل کرده که آنحضرت شنید از کسیکه او  
طنبور میزد او را منع کرد و طنبور او را شکست و بر او توبه داده و او  
نیز توبه کرد و فرمود آیا میدانید که طنبور چه میگوید؟  
گفت نه! بلکه وصی رسول الله میداند فرمود میگوید که زود  
باشد که پشیمان میشوی ای صاحب من و زود شود که بد زخ می زوی  
ای زنده من

و در این احادیث این فصل سیاست بزرگ است زیرا که اگر بنا  
شود که کسی آلات و ادوات خواننده و سازنده را بشکند و غرامت و  
ضمانت نداشته باشد و در دیه آن خانه مسلمانان و در نزد حاکمان ایشان  
جریمه و عتاب و غرامت و خطاب نشود.

البته مردمان دیندار دف و طنبور و تار مطربان و بی عار را میشکند  
و از آنها اثری نمیماند و از ترس مردمان با حیاء کسان بدون حیاء نمیتواند  
اطهار آلات لهو و لعب نماید و اینهمه فسق و فجور و مجالس زشت و قبیح  
در هر جا پیدا و آشکار نمیشود و این تار و طنبور باعث چقدر گناه کبیره  
در هر سال و ماه و هفته روز و هر شهر و ولایت میشود پنججاه سال قبل از این در  
هر شهری چند مطرب معلوم بوده و در وقت عروسی آنها را پیدا میکردند  
و آن بی غیبتها برای اهل مجلس قدری دف و طنبور میزدند و آنهم بقدر  
امکان مخفی میشد

و حالا در این زمان مطربها زیادتر شده اند و در اغلب خانه ها در  
شهرها آلات و ادوات غنا و طرب موجود است و اهل آن خانه خود ایشان  
مطرب و بی ادب و بدون حیاء و بیعتر گردیده، و مثل مشهور است که اگر  
کسی حیاء نداشته باشد رقص کردن درباره او ثابت است و یکمرتبه حیا

و حجاب و آبروی این صنف از مردمان رفته و اکثر زنان و جوانان مطرب شده‌اند، و در زمان سابق اگر بکسی مطرب میگفتند بسیار بدش می‌آمد زیرا که مردمان بی‌حیا و بی‌عار نبودند و بخلاف این زمان که از مطرب بودن حیا نمیکنند.

و تمام شد این مختصر در ساعت چهارم از روز چهارم از دهه دوم از ماه مسیم

از سال چهارم از عشره هفتم از صد چهارم از هزار دویم از هجرت

نبوی صلی الله علیه و آله بدست این احقر فانی حسین بن

نسر الله الموسوی و الحمد لله رب العالمین كما هو

اهله و قدتم استنساخها للنشر فی یوم الاثنین

خامس عشر شهر صفر ختم بالخیر

والظفر من شهر ۱۳۶۷ هـ

و انا العبد محمود بن

جعفر الموسوی الزرندی

ناشر

آقای حاج مختار

معینی

ناجر رضاییه